

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَ احْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي»¹.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ عَلَى خَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ طَبِيبِنَا حَبِيبِنَا شَفِيعِ ذُنُوبِنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْمَعْصُومِينَ سَيِّمًا الْحُجَّةُ بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْعَالَمِينَ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَ رَزَقَنَا اللَّهُ صُحْبَتَهُ وَ اللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ».

مقدمه

وجود مبارک امام زین العابدین سیدالساّجدين عليه السلام در ورود به ماه مبارک رمضان دعایی را ایراد فرمودند که مشحون از معارف است و یک بخشی از آن معرفي ماه مبارک رمضان است، بخش ديگر آن مراقبات ماه مبارک رمضان است.

در بخش اول وجود مبارک امام سجّاد به محضر خدای متعال اینطور عرضه می‌دارند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصِّيَامِ، وَ شَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَ شَهْرَ الطُّهُورِ، وَ شَهْرَ التَّمْحِيصِ، وَ شَهْرَ الْقِيَامِ»²، ماه مبارک رمضان «شهر صیام» است، ماه روزه است، و ماه اسلام است، و ماه طهور است، و ماه تمحیص و پالایش و تزکیه است، و ماه قیام است.

¹ سوره مبارکه طه، آیات 25 تا 28

² دعای 44 صحیفه سجّادیه

«کلاس تسلیم» در ماه مبارک رمضان

در مسئله‌ی اینکه ماه مبارک رمضان «کلاس تسلیم» است، خدای متعال این ماه را ماهِ میهمانیِ خود قرار داده است و در این ماه پذیراییِ ویژه‌ای از بندگانی که قدم در سفره و مائده‌ی الهی نهاده‌اند و تشرّف پیدا کرده‌اند که میزبانِ آن‌ها خدای متعال باشد...

نوعاً در میهمانی‌ها سفره‌ای تدارک می‌بینند، از نظرِ خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها هرچه این سفره پُررنگ‌تر باشد میهمانی دایرتر به حساب می‌آید، اما میهمانیِ خدای متعال میهمانیِ ویژه‌ای است، میهمانی است که روح انسان را، جانِ انسان را مُنقاد و تسلیم می‌کند، خدای متعال در میهمانیِ خود ترکِ التذاذاتِ دنیایی را منظور فرموده است؛ در میهمانی‌های ظاهری می‌گویند غذا بخورید، غذاهای مختلف و متعدد به خوردِ طرف می‌دهند، اما در ماه مبارک رمضان خدای متعال ریاضت‌های مختلف را بعنوانِ پذیرایی قرار داده است.

آنچه که خوراکِ جسم است، در بسیاری از موارد بی‌توجهی به روح است، به جان هست؛ دل‌خانه‌ی خدای متعال است، و آنچه ترکِ التذاذاتِ شهوانی و هواهای نفسانی است، خودِ ترکِ آن یک کاری است که در اسلام به آن ترک هم «صبر» گفته می‌شود و هم از آن بعنوان «کَفِّ نَفْس» یاد می‌شود.

آنچه را که انسان با طبعِ حیوانیِ خود به آن میل و گرایش دارد و در انسان کشش و جاذبه ایجاد می‌شود و احساسِ تمایل می‌کند، این تقویتِ بُعدِ حیوانیِ اوست، انسان جسم دارد، هوا دارد، هوس دارد، غرایز دارد، غضب دارد، اما این‌ها ابزارِ تکاملِ بشر است، اگر در اختیارِ دینِ انسان، در اختیارِ عقلِ انسان قرار گرفت انسان این‌ها را تسلیمِ خود کرده است، آنجا که لازم است و خدای متعال راضی است به مقداری که خدای متعال را خشنود می‌کند از این‌ها بهره می‌گیرد.

این غرایز و تمایلات و طبع حیوانی و هواهای ما مرکب ما هستند، خدای متعال کرم کرده است، به ما یک مرکبی داده است که جان و روح ما در مسیر دین از آن استفاده کند، لذا اگر ما مرکب را تسلیم خودمان کردیم به هر کجا که ما می‌خواهیم می‌رود و ما او را با خودمان می‌بریم، اما اگر او ما را تسلیم خود کرد ما را به سوی آتش جهنم و غضب خدای متعال می‌برد.

نتیجه‌ی تسلیم بودن مقابل خدای متعال

در قرآن کریم دارد که «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»^۲، کسی که از مقام حق بترسد، از مقام عدل خدای متعال، از مقام غضب خدای متعال، از مقام خشم خدای متعال نگران باشد و این نگرانی او را به «کف نفس» وادار کند، به دنبال آنچه که دوست دارد نرود، یعنی به دنبال خواسته‌ی دل خود نرود، بلکه دل را تسلیم دین خود کند، یعنی دل او در اختیار دین او باشد، دل او در اختیار امام زمان او باشد، خدای متعال در دل او باشد، دل او حرم خدای متعال باشد، حریم خدای متعال باشد، دل حرم حضرت سیدالشهداء علیه السلام باشد، دل حرم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قرار بگیرد و آن‌ها همه‌کاره‌ی دل باشند، «فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»، کسی که هوا و هوس و دل و جان خود را تسلیم دین و اولیاء دین بکند «فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»، خدای متعال با تأکید و تضمینی می‌فرماید که جنت پناهگاه او خواهد بود، البته خود این «الجنة» هم نکاتی دارد، کسی که تسلیم باشد، کسی که خود را تفویض کند و در اختیار خدای متعال و دین خدا قرار بگیرد، این از جناتی که در آن کثرت هست برتر است، این به جنت وحدت و توحید نائل می‌شود، این شخص در جمال الهی ذوب می‌شود و از آنچه که صفات اولیاء الهی هست بهره می‌گیرد، «فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ».

^۳ سوره مبارکه نازعات، آیات ۴۰ و ۴۱

اما اگر کسی مطیعِ نفس بود و نفسِ او تسلیم نبود و طاغی و یاغی بود و نفسِ او سرکش بود و هر طور که دوست داشت عمل می‌کرد گرفتارِ عذابِ الهی می‌شود.

ریشه‌ی فساد در زندگیِ بشر

در حدیثی از وجود نازنین خاتم انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم داریم که فرمودند: «ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ»^۴ سه چیز انسان را هلاک می‌کند، موجبِ نابودی و سقوطِ بشر می‌شود.

«شُحُّ مَطَاعٍ»؛ یکی از آن اموری که انسان را نابود می‌کند طمعی است که این طمع انسان را در اختیارِ خود قرار بدهد.

خیلی‌ها طمع دارند، ولی از طمعِ خود اطاعت نمی‌کنند و تسلیم نیستند، کسی که تابعِ طمعِ خود هست سقوط می‌کند و سعود نمی‌کند، «شُحُّ مَطَاعٍ» باید حرص و طمع را کنترل کرد و در اختیار گرفت.

دوم: «هُوَى مُتَّبِعٍ» هوای نفس و شهوات و تمایلات؛ اگر از این‌ها تبعیت بشود انسان را هلاک و نابود می‌کنند و به جهنم می‌اندازد.

^۴ الخصال، جلد 2، صفحه 84 (أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ دَرَجَاتٌ وَ ثَلَاثٌ كَفَّارَاتٌ وَ ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ وَ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ فَاسْتِبَاغُ الوُضُوءِ فِي السَّبْرَاتِ وَ اِنتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَ الْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَى الْجَمَاعَاتِ وَ أَمَّا الكَفَّارَاتُ فَإِفْشَاءُ السَّلَامِ وَ إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَ التَّهَجُّدُ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ وَ أَمَّا الْمُهْلِكَاتُ فَشُحُّ مَطَاعٍ وَ هَوَى مُتَّبِعٌ وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَ أَمَّا الْمُنْجِيَاتُ فَخَوْفُ اللَّهِ فِي السَّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَ الْفَقْرِ وَ كَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ السَّخَطِ.)

خیلی‌ها هوا و هوس دارند اما دندان روی جگر می‌گذارند و چشم‌پوشی می‌کنند و به دنبال آن نمی‌روند، می‌دانند مسیر هوا مسیر شیب‌دار و لیز و لغزنده است، اگر انسان خود را تسلیم این راه کند کنترل ندارد و با سر در قعر جهنم می‌افتد، «هُوَى مُتَّبِعٌ».

سوم: «إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ» انسانی که از خود راضی است، انسانِ خودخواه، انسانِ خودبین، انسانِ خودپرست.

این سه عامل ریشه‌ی فساد در زندگی بشر است، حرص است و هوای نفس است و خودبینی.

امان از این «خود» که پدر بشر را درآورده است.

شجاع‌ترین مردم

ماه مبارک رمضان علاج این بیماری‌هاست، «شهر الاسلام» است، در این ماه ما نفس را بر سر جای خود می‌نشانیم، ما هوا و هوس را تسلیم دین خود می‌کنیم، ما خودخواهی و خودبینی را زیر پای خود می‌کنیم، این دشمن است، نفسِ آماره... «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»، انسان در زندگی زیاد «دشمن» دارد، و دشمن‌شناسی هم یکی از وظایفی قطعی قرآنی و عقلانی بشر هست، بیش از نهصد آیه در قرآن کریم مربوط به برائت از دشمنان است، انسان دشمن را بشناسد، فریب دشمن را بداند و خود را از شر دشمن در امان بدارد و دشمن خود را نابود کند، در میان دشمنانی که... انسان «حسود» دارد، انسان دشمنانی دارد که بخاطر دینداری با انسان دشمن هستند، در اثر تضاد در منافع با انسان دشمن هستند، انسان به یک کسی لبخند نزده است و او با انسان دشمن شده است، فراوان به دنبال بهانه هستند که با انسان بد بشوند، هر کسی در زندگی دشمنانی دارد، اما در میان دشمنانی که از استکبارِ عالمی امّ الفساد غرب امریکا گرفته است تا یهودِ ریشه‌دار در عناد با اسلام و

این صهیونیست‌های ظالم کودک‌کش و غاصب تا منافق و نفوذی داخلی، همه‌ی این‌ها دشمنِ انسان هستند، ولی

هیچیک خطرناک‌تر از «نفسِ اماره» نیست، «أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ».

لذا در میانِ افرادِ شجاع و سلحشوری که در برابرِ دشمنِ قیام می‌کنند و اهلِ نبرد و مصاف هستند، فرمودند:

«أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ»^۵، شجاع‌ترین انسان‌ها آن کسی نیست که داعش را بر سرِ جای خود نشانده است،

آن کسی نیست که بهبادِ امریکا یا پایگاهِ امریکا را زده است، او خیلی بزرگ است، او کارِ خیلی عظیم و

^۵ الأُمَالِي (للصَدُوق)، جلد ۱، صفحه ۲۰ (حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الْأَشْتَهَارُ بِالْعِبَادَةِ رِيَّةٌ إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ أَعْبُدُ النَّاسَ مِنْ أَقَامِ الْفَرَائِضَ وَاسْخَى النَّاسَ مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَارْهَدُ النَّاسَ مِنْ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ وَاتَّقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ وَاعْدَلَ النَّاسَ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَكَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ وَ أَكْبَسُ النَّاسَ مَنْ كَانَ أَشَدَّ ذِكْرًا لِلْمَوْتِ وَ أَغْبَطُ النَّاسَ مَنْ كَانَ تَحْتَ التُّرَابِ قَدْ أَمِنَ الْعِقَابَ وَ يَرْجُو الثَّوَابَ وَ أَغْفَلُ النَّاسَ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ وَ أَعْظَمُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا خَطْرًا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لِلدُّنْيَا عِنْدَهُ خَطْرًا وَ أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ وَ أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ وَ أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَ أَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا وَ أَقَلُّ النَّاسِ لَذَّةً الْحَسُودُ وَ أَقَلُّ النَّاسِ رَاحَةً الْبَخِيلُ وَ أَبْخَلُ النَّاسِ مَنْ بَخِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالْحَقِّ أَعْلَمُهُمْ بِهِ وَ أَقَلُّ النَّاسِ حُرْمَةَ الْفَاسِقِ وَ أَقَلُّ النَّاسِ وَفَاءَ الْمُلُوكِ وَ أَقَلُّ النَّاسِ صَدِيقًا الْمَلِكِ [صَدِيقًا الْمَمْلُوكِ] وَ أَفْقَرُ النَّاسِ الطَّمَعُ وَ أَغْنَى النَّاسِ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحِرْصِ أُسِيرًا وَ أَفْضَلُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَكْرَمُ النَّاسِ اتِّقَاهُمْ وَ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَعْنِيهِ وَ أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقًّا وَ أَقَلُّ النَّاسِ مُرُوءَةً مَنْ كَانَ كَاذِبًا وَ أَشَقَى النَّاسِ الْمَمْلُوكُ وَ أَمَقَّتُ النَّاسِ الْمُتَكَبِّرُ وَ أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ وَ أَحْكَمُ النَّاسِ مَنْ فَرَّ مِنْ جُهَالِ النَّاسِ وَ أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ وَ أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مَدَارَاةً لِلنَّاسِ وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالتُّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهْمَةِ وَ أَعْتَى النَّاسِ مَنْ قَتَلَ غَيْرَ قَاتِلِهِ أَوْ ضَرَبَ غَيْرَ ضَارِبِهِ وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَ أَحَقُّ النَّاسِ بِالذَّنْبِ السَّفِيهُ الْمُعْتَابُ وَ أَدَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ وَ أَحْزَمُ النَّاسِ أَكْظَمُهُمْ لِلْغَيْظِ وَ أَصْلَحُ النَّاسِ أَصْلَحُهُمْ لِلنَّاسِ وَ خَيْرُ النَّاسِ مَنْ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ).

باارزشی کرده است، اما کاری باارزش تر از آن کار وجود دارد و آن این است که انسان نفسِ خود را رام کند، نفسِ خود را متقاعد کند، نفسِ خود را قانع و تسلیم کند.

همه‌ی کارها را برای خدای متعال انجام دهیم

از این جهت امام زین العابدین علیه السلام «شهر رمضان» را «شهر الاسلام» نامیده‌اند.

حال ما که میهمانِ خدای متعال هستیم و میزبانِ ما ذاتِ خالقِ متعال است، بیایید توجه داشته باشیم، در این ماه، در هیچ موردی مطیعِ نفسِ خود نباشیم، وقتی می‌خواهید افطار کنید از این باب نباشد که ساعت‌ها گرسنگی کشیده‌اید بلکه از این باب باشد که خودِ «افطار» جزوِ مستحبات است، خدای متعال این کار را دوست دارد، افطار را برای جلبِ رضای خدای متعال کنید، یکی از بابِ استحبابِ آن و دوم هم «قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي»⁶، اگر این انرژی بدن تأمین نشود «مرکب» ضعیف است و نمی‌تواند برای ما پرواز داشته باشد، می‌خواهیم به آن انرژی بدهیم تا از آن استفاده کنیم تا ما را به مقصد که رضای خدای متعال است برساند.

در سحر هم همینطور باشیم، «سحر خوردن» جزوِ مستحبات است، جزوِ سنت‌هاست که باید رعایت کرد، آنجا هم همینطور.

اگر به کسی لبخند می‌زنید برای رضای خدای متعال لبخند بزنید، اگر به کسی اخم می‌کنیم ابتدا ببینیم آیا خدای متعال راضی است یا نه؟ اگر خدای متعال راضی بود برای رضای خدای متعال اخم کنیم، سکوتِ ما برای خدای

⁶ دعای کمیل

متعال باشد، گفتارمان برای خدای متعال باشد، فریادمان برای خدای متعال باشد، حرکات و سکنت ما با رضای خدای متعال هماهنگ باشد.

راز و نیاز با خدای متعال

اگر این شد ما یک عنصرِ سرسپرده‌ی به خدای متعال هستیم، تسلیمِ حق تعالی هستیم، چیزی بجز پسندِ او پسندِ ما نیست، ما کسی هستیم که اگر خدای متعال به ما بلا بدهد اعلانِ نارضایتی نمی‌کنیم، می‌گوییم:

در بلا هم می‌چشم لذاتِ او ماتِ اویم، ماتِ اویم، ماتِ او

خدایا! در این ماه دلبری می‌کنی، ماه ماهِ تجلّیِ جمالِ توست، بعضی از دل‌ها را خودِ تو عاشق می‌کنی

تا که از جانب معشوق نباشد کششی کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد

دل‌ها به دستِ توست، چه می‌شود به ما هم یک جذبه‌ای عنایت بفرمایی؟! ما را هم مجذوبِ جمالِ خودت کنی، ما را هم مرعوبِ جلالِ خودت کنی، از خودمان به تو پناهنده بشویم، «لَا مَفْرَّ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ»⁷، خدایا! در این ماه به ما هم پناه بده، ما را تحویل بگیر، دلِ ما را با نگاهِ خودت نوازش کن، بیماری‌های دلِ ما را معالجه کن، ردائلِ اخلاقی و گناهانِ دلِ ما را خراب کرده است، خانه‌ی تو را خراب کردیم، ما خانه‌خراب هستیم، ماه ماهی است که تو دل‌های میهمانانی که دل به تو داده باشند را آباد می‌کنی و از دلِ آن‌ها پذیرایی می‌کنی.

⁷ فلاح السائل، جلد ۱، صفحه 132 (لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَ الْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَ الشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَ الْمَهْدِيُّ مَنْ

هَدَيْتَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدَيْكَ مِنْكَ وَ بَكَ وَ إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنجَى وَ لَا مَفْرَّ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَ حَنَانَيْكَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ).

روضه حضرت علی اصغر علیه السلام

صلی الله علیک یا ابا عبدالله

ماه مبارک رمضان ماه تسلیم است، ماه رضاست، ماه گذشت از محبوب هاست، انسان گرسنه غذا را دوست دارد اما بخاطر خدای متعال از غذا صرف نظر می کند، جوانی است که تازه ازدواج کرده است و دوست دارد با همسر خود باشد اما روز ماه رمضان آمیزش با همسر حرام است و او برای رضای خدای متعال دست از پا خطا نمی کند، از هر چیزی که لذت جسمی است می گذرد، و چون می گذرد به خدای متعال می رسد.

اگر انسان این زنجیرهای حُب را از پر و بال قلب خود باز کند قلب پرواز می کند، باید این بندها را در این ماه مبارک رمضان با گرمی محبت ذوب کرد و فقط یک دلبر باشد و آن هم خدای متعال است.

و این را باید از حضرت سیدالشهداء علیه السلام یاد بگیریم؛ حضرت سیدالشهداء علیه السلام از هر چه که داشتند گذشتند، هر چه داشتند تسلیم خدای متعال کردند، در میان اینارهایی که حضرت سیدالشهداء علیه السلام کرده اند، بالاترین ایثار هدیه ی شش ماهی حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود، در این داغهایی که حضرت سیدالشهداء علیه السلام برای خدای متعال تحمل کردند هیچ کجا نداریم که حضرت سیدالشهداء علیه السلام از آسمان مورد خطاب قرار گرفته باشند، اما وقتی حضرت علی اصغر علیه السلام را به میدان آوردند... حضرت علی اصغر علیه السلام آخرین ذخیره ی حضرت سیدالشهداء علیه السلام بودند، حضرت سیدالشهداء علیه السلام همه کس خود را داده بودند، فقط یک شش ماهه مانده بود، وقتی حضرت علی اصغر علیه السلام را به میدان آوردند صحنه ی خیلی جانسوزی بود، اوج قساوت بی ولایتها و بی دینها را نشان می دهد، کسی که دین ندارد هیچ چیزی ندارد، این بچه نا داشت، از شدت عطش بال بال می زدند و حضرت سیدالشهداء علیه السلام به

مردم نشان دادند، گفتار نبود، تماشا بود، فرمودند: «اما ترونه كيف يتلظى عطشا»، آیا نمی بینید فرزندم در حال تلظی کردن است؟ «تلظی» بال زدن ماهی است، وقتی ماهی را از آب بیرون می آورند دو نمود دارد، یکی اینکه دهان خود را باز و بسته می کند، دوم اینکه بال می زند...

این شش ماه بال می زد و از شدت عطش گویا زبان خود را داخل دهان خود می چرخاند و به حضرت سیدالشهداء علیه السلام نشان می داد... اما به جای آب... «فَرَمَاهُ حَرْمَلَهُ»... ان شاء الله خدای متعال حرمله را لعنت کند، چه جراحی در دلها گذاشت، گلوی نازک شش ماهه را نشان گرفت... اما وقتی سر این طفل افتاد از آسمان ندا آمد «دَعُهُ يَا حُسَيْنُ؛ فَإِنَّ لَهُ مُرَضِعًا فِي الْجَنَّةِ»⁸، حسین جان! فرزند خودت را به ما بده...

لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم

يا بقیة الله يا صاحب الزمان انظر إلینا

الا لعنت الله على القوم الظالمین

دعا

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ

إِلَهِنَا يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، يَا عَالِيُ بِحَقِّ عَلِيٍّ، يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ، يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ، يَا قَدِيمُ الْإِحْسَانِ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ، بِمَوْلَانَا بَابَ الْخَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ عَلِيٍّ أَصْغَرَ الرُّضِيعِ الذَّبِيحِ الشَّهِيدِ يَا اللَّهُ... يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا إِلَهَ الْعَاصِينَ...

خدایا! امام زمان ارواحنا فداه را برسان.

خدایا! ما را ببخش و بیامرز.

خدایا! روحِ رضا و تسلیم در فراز و نشیبِ زندگی را به ما روزی بفرما.

خدایا! سایه پُر برکتِ امام زمان ارواحنا فداه را بر سرِ ما مستدام بفرما و حکومتِ جهانیِ ایشان را مستقر و

توفیقِ درکِ ظهور و خدمت در حکومتِ آن بزرگوار را نصیبِ ما بگردان.

خدایا! پایانِ این سختی‌های ویروسی را ظهورِ امام زمان ارواحنا فداه قرار بده.

خدایا! نایبِ امام زمان ارواحنا فداه، مرجعِ عالیقدر و رهبرِ نورانی‌مان را از آفات و بلیاتِ محافظت بفرما و با

تأییداتِ خاصِ خودت بر همه‌ی مشکلات و موانعِ راهِ ظهورِ پیروز بفرما و پرچمِ انقلاب را با دستِ ایشان به

دستِ مبارکِ صاحبِ اصلیِ آن مولا و آقا و جانمان امام زمان ارواحنا فداه منتقل بفرما.

خدایا! نسلِ جوان، جوان‌های مورد نظر را اهلِ نجات قرار بده و به سامان برسان.

خدایا! جوان‌ها را از سرگردانی نجات بده.

خدایا! پدران و مادرانی را که گرفتارِ بهم ریختگیِ جوان‌های خود هستند را با سامانِ جوان‌های‌شان آرامشی به

آن‌ها روزی بفرما.

خدایا! زندگیِ خانوادگی را برای همه‌ی شیعیان و مؤمنین شیرین قرار بده.

خدایا! ناسازگاری‌ها را تبدیل به انس و صفا و گذشت و عفو بفرما.

خدایا! حوائج همه‌ی حاجتمندان و منظورین از دوستان و آشنایان مان روا بفرما.

خدایا! دردِ همه‌ی دردمندان، خصوصاً بیمارانی که به این مریضی مبتلا شده‌اند و دو سیّد مورد نظرِ ما را دوا بفرما.

خدایا! تا هستیم ما را با دین، با عافیت، با قدرت، با خدمت قرین بفرما.

خدایا! تا هستیم نعمت‌های خودت را از ما نگیر.

خدایا! مرگِ ما را راحتیِ ما و میهمانیِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام قرار بده.

خدایا! حُسنِ عاقبت برای خودمان و همه‌ی مؤمنین و همه‌ی عزیزان و محبوب‌ها و فرزندانِ ما نصیب بفرما.

غفرالله لنا و لکم

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته